



تقریر درس خارج اصول فقه آیت الله اراکی رحمته الله

مقرر	حجت الاسلام محمد علی زحمت کش	جلسه	۳۹	تاریخ	۱۴۰۳/۰۹/۰۴
عنوان ۱	خبر واحد				
عنوان ۲	بررسی اصل حجیت خبر واحد				
عنوان ۳	ادله قائلین حجیت خبر واحد				
عنوان ۴	نوع اول: استدلال به کتاب				
عنوان ۵	استدلال به آیه نفر				
عنوان ۶	بیان جامع شهید صدر رحمته الله در آیه نفر				

«الْحَمْدُ لِلَّهِ رَبِّ الْعَالَمِينَ وَ صَلَّى اللَّهُ عَلَى سَيِّدِنَا مُحَمَّدٍ وَ آلِهِ الطَّيِّبِينَ الطَّاهِرِينَ وَ لَعَنَهُ اللَّهُ عَلَى أَعْدَائِهِمْ إِلَى قِيَامِ يَوْمِ الدِّينِ»

مرور و تکمیل مباحث گذشته

بیان شد که استاد شهید فرمودند که در متعلق حذر، سه فرض وجود دارد: اول اینکه متعلق حذر، عقاب باشد؛ دوم اینکه تقویت غرض مولا باشد و سوم اینکه مجمل باشد.

بنابر فرض اول، بحث کردیم و گفتیم بنابر فرمایش استاد، پنج احتمال وجود دارد که در فرض دوم از احتمال چهارم و احتمال پنجم دلالت بر حجیت خبر دارد.

صورتی که حذر، حذر از مخالفت با واقع باشد

در صورتی که حذر، حذر از مخالفت با واقع باشد، دو فرض وجود دارد:

فرض اول اینکه حذر در مقام جعل باشد؛ یعنی این تحذیر، همان جعل احکام شرعیه باشد؛ مانند «صلّ» و «زکّ» که اینها نیز تحذیر است و معنایش این است که اگر انجام ندهید، عقاب خواهید شد. اشکال این فرض این است که ظهور آیه در این است که حذر از چیزی است که قبل از تحذیر وجود دارد و اگر تحذیر، به معنای جعل احکام باشد، دیگر قبل از بیان تحذیر، آنچه حذر از آن لازم باشد وجود ندارد. به عبارت دیگر، باید چیزی باشد تا از آن تحذیر صورت بگیرد و اگر با همین تحذیر بخواهد جعل احکام صورت بگیرد، قبل از بیان آن چیزی وجود ندارد که از آن حذر شود.

فرض دوم این است که تحذیر، تحذیر در مقام امتثال باشد - که حق همین است - در این صورت، هنگامی که واقع معلوم باشد، خارج از بحث ماست؛ اما هنگامی که تحذیر، تحذیر از واقع مشکوک باشد؛ یعنی تحذیر از مخالفت با حکم الزامی محتمل باشد، در این صورت، حذر می تواند حذر استحبابی باشد و لازم نیست حذر وجوبی باشد. عقل حکم می کند

که حذر استحبابی در مواردی که احتمال حکم الزامی وجود دارد، جای دارد؛ مثلاً در موارد شبهه بدویه حتی بعد از فحص، اگرچه احتیاط جاری می شود، اما استحباب احتیاط منتفی نیست.

این صورت، با وجوب حذر، بر اساس تقریب دوم (دلالت «لعل» بر مطلوبیت و تلازم با وجوب حذر) سازگار نیست؛ زیرا هنگامی که حذر، حذر از مخالفت با واقع باشد، می تواند حذر استحبابی باشد؛ اما در این تقریب، بین مطلوبیت و وجوب حذر، تلازم ادعا شده بود؛ لذا حذر، باید حذر وجوبی باشد. در نتیجه این دو فرض با این وجه سازگار نیست.

اما تقریبات دوم (لغویت وجوب انذار به صورت مطلق اگر حذر به صورت مطلق واجب نباشد) و سوم (نمی شود غایت واجب باشد و ذی الغایه واجب نباشد) در وجوب حذر، با این فرض سازگار است. توضیح اینکه:

بنابر تقریب دوم، حذر استحبابی، با اطلاق وجوب انذار سازگار است و دیگر وجوب انذار لغو نخواهد شد و منذر انذار می کند تا راه برای استحباب حذر فراهم شود.

بنابر تقریب سوم، مشکلی ندارد که غایت انذار، حذر استحبابی باشد؛ زیرا حذر استحبابی، برای همان احکامی است که وجوب انذار نسبت به آنها ثابت است. به عبارت دیگر، گرچه وجوب انذار مغیا است؛ اما غایت وجوب این انذار - حتی انذار غیر موجب علم -، می تواند احتیاطی باشد که حکم عقل است؛ برای احراز همان احکامی که انذار از آن احکام انجام گرفت. به بیان دیگر، در این فرض، همانطوری که انذار مطلق است، حذر نیز مطلق است؛ اما مطلق استحبابی است؛ نه مطلق وجوبی؛ یعنی استحباب حذر از مطلق انذار واجب لازم است؛ اگرچه انذار موجب علم نباشد؛ لذا اطلاق حذر، اقل از اطلاق انذار نیست تا مشکلی پیش بیاید. چراکه آنچه ملاک است؛ مطلوبیت مطلق است و آنچه اشکال ایجاد می کند، این است که ذی الغایه مطلوب باشد و غایت مطلوب نباشد؛ اما در این فرض، هر دو مطلوب هستند و مطلوبیت با استحباب نیز سازگار است.

در نتیجه در صورتی که حذر، حذر از مخالفت با واقع باشد، بنابر وجوه دوم و سوم از تقریبات وجوب حذر، می توان به آیه تمسک کرد.^۱

صورتی که حذر، مردد باشد

در صورتی که حذر، مردد بین حذر از عقاب و حذر از مخالفت با واقع باشد، تنها وجوهی قابل استناد است که بنابر هر دو احتمال - یعنی حذر از عقاب و حذر از مخالفت با واقع - بتوان بر آن استدلال کرد؛ زیرا در هنگامی که حذر مردد بین دو است، بطلان استدلال بنابر هر یک از این دو احتمال، برای بطلان استدلال کافی است. بنابراین، در این صورت، تنها بر وجه

۱. متن تقریرات شهید صدر رحمته الله علیه چنین است: «وأما على الفرض الثاني - أعني: كون المقصود التحذّر عن مخالفة الواقع وتفويت غرض المولى - فنقول: إن طلب التحذّر إما يكون في الحقيقة ذكراً لنفس الأحكام الواقعية، فكأنه قال: (صلى، وزكّ، وصم...)، أو هو بيان لوجوب التحذّر في مرحلة الامتنال، والمتعين هو الثاني؛ إذ معنى وجوب الحذر هو ثبوت حكم في المرتبة السابقة حتى يتحذّر من مخالفته، وإلا لم يكن موضوع للتحذّر. وهذا يناسب الاستدلال بالآية الكريمة بالوجه الثاني، والثالث، دون الوجه الأول؛ لأن الوجه الأول يعتمد على الملازمة بين مطلوبية الحذر ووجوبه، وعدم تعقّل الاستحباب، بينما من المعقول أن يفرض استحباب التحذّر عن مخالفة الواقع لدى الشك». مباحث الأصول؛ جزء الثاني من القسم الثاني، ص ۴۸۷.

دوم (لغویت وجوب انذار به صورت مطلق اگر حذر به صورت مطلق واجب نباشد) می توان به آیه استدلال کرد؛ زیرا وجه اول، با اینکه حذر، حذر از مخالفت با واقع باشد سازگار نیست و وجه سوم، با اینکه حذر، حذر از عقاب باشد سازگار نیست^۱.

خلاصه آنچه تاکنون به آن رسیدیم را در چند بند بیان می کنیم:

۱. انذار، الزاماً انذار تنجیز قبل از انذار نیست؛ بلکه می تواند انذار از تنجیز بعد از انذار باشد؛ برخلاف آنچه استاد شهید فرمودند.

۲. حذری که در آیه آمده که غایت انذار است، نمی تواند حذر غیر واجب باشد. این بیان، بیان درستی که چون حذر، غایت انذار است و انذار واجب است، حذر، نمی تواند حذر غیر واجب باشد. حذر از باب استحباب عقلی در مشتهات، غیر از آن حذر است؛ زیرا از این جهت که انذار واجب است، ظهور، اقتضای وجوب حذر را دارد و این احتمال کفایت نمی کند. صرف احتمال اینکه مراد استحباب باشد، نمی تواند مانع ظهور شود. ظهور آیه در این است که حذر، مترتب بر انذار است و این وجوب تکلیفی مولوی دارد؛ نه اینکه ارشاد به استحباب عقلی باشد.

۳. احتمال پنجمی که در فرض اول بیان شد، احتمال درستی است. یعنی مراد شارع، حجیت خبر واحد بوده باشد و آن را با بیان وجوب حذر بیان کرده باشد؛ یعنی با بیان لازم، اراده ملزوم را کرده است. این نوع بیان، در زبان عرب زیاد به کار برده می شود که نوعی کنایه است. بنابراین، تحذیر عقاب از مخالفت با انذار، کنایه از حجیت خبر است و این وجه تامی است که بنابر این وجه، آیه نفر می تواند دال بر حجیت خبر باشد. البته خود استاد شهید بر این وجه، اشکال وارد کردند که انذار، در مواردی است که تنجیز قبل از انذار وجود داشته باشد؛ اما در محل خود این اشکال را رد کردیم و گفتیم اینطور نیست که انذار برای یک عقاب سابق باشد؛ بلکه در زبان عرب، به هشدار در مورد خطری که در آینده می آید نیز انذار می گویند.

و صلّی الله علی محمد و آله الطّاهرين

۱. متن تقریرات شهید صدر رحمته الله علیه چنین است: «وأما على الفرض الثالث - وهو فرض الإجمال والتردد بين الفرضين الأولين - فلا يتم من الوجوه إلّا الوجه الذي يتم على كلا الفرضين، وهو الوجه الثاني؛ إذ بطلان أي وجه على أحد الفرضين يكفي لبطلانه على هذا الفرض المردّد بينهما؛ لأنّ النتيجة تتبع أخس المقدمات». مباحث الأصول؛ جزء الثاني من القسم الثاني، ص ۴۸۷.